

فوتبال ملی زنان ایران در سرایشی سقوط

17 آذر 1403

بعد از مدت‌ها، سرانجام در روزهای گذشته اخباری در خصوص مسابقات تیم ملی زنان در سایت رسمی فدراسیون فوتبال مخابره شد.

به گزارشمداران ودختران به نقل از «روزنامه اعتماد»، دو تقابل مقابل اردن در این کشور و کسب تنها يك تساوي، نتیجه‌ای بد برای تیم ملی زنان ایران بود که بعد از شش ماه بار دیگر برای انجام يك مسابقه وارد میدان می‌شد. عدم توجه کافی به این تیم در دو سال اخیر، همراه با انتشار چند مصاحبه پر سر و صدا در رسانه‌ها از سوی اعضای کادرفنی، موجب شد تا در خصوص شرایط کنونی تیم ملی زنان ایران گزارش مفصلي با همراهی یکی از فعالان ورزش زنان منتشر کنیم که در آن حقایق بسیاری روشن شده است که در ادامه می‌خوانید.

دفاع از عنوان قهرمانی؟ بعید است!

اوضاع فوتبال و فوتسال زنان در ایران در حال حاضر تنها در يك کلمه خلاصه می‌شود: بد! در يك کلام باید از کلمه بغرنج برای هر دو تیم ملی استفاده کرد. تیم ملی فوتسال، سال آتی تورنمنت بسیار مهم جام ملت‌های آسیا را در پیش دارد و باید از عنوان قهرمانی خود در این رقابت‌ها دفاع کند، اما با شرایط لیگ زنان و تیم ملی و در نظر گرفتن پیشرفت سایر کشورها، بعید است که تیم ملی به سومین قهرمانی خود در جام ملت‌های فوتسال زنان برسد. تیم ملی فوتبال هم که از نتایجش پیداست چه روزهای سختی را می‌گذراند. فاطمه ابراهیمی، خبرنگار و فعال حوزه ورزش زنان که از نزدیک تحولات فوتبال زنان ایران را رصد می‌کند در مورد شرایط تیم ملی به «اعتماد» گفت: «این تیمی است که کاملاً درگیر حواشی شده است و انگار خودشان هم از خودشان انتظار پیشرفت ندارند. همین که دور هم باشند، کافی است!»

به استرالیا باختید اشکالی نداشت ولی اردن چه؟

بعد از مقدماتی المپیک که برای ما دو شکست و يك تساوي به همراه داشت، کسی منتقد این تیم نبود و به نظر نباید هم به آن تیم انتقاد می‌شد. در آن مقطع همین که میانمار را شکست دادند و به آن مرحله صعود کردند، دراماتیک و غیرقابل پیش‌بینی بود. اینکه توقع می‌داشتیم تیم ملی از سد تیمی مثل استرالیا که از برترین تیم‌های جهان است، بگذرد توقع نابجایی بود. کارشناسان حوزه فوتبال زنان می‌گویند وقتی می‌خواهید از ورزش زنان انتقاد کنید، اول ببینید به آنها چه داده‌اید، بعد مطابق با آن امکاناتی که در اختیارشان گذاشته بودید، منتقد باشید. با این حال نباید فراموش کرد تیم ملی زنان ایران در این دو سال ۱۰ مسابقه داشته که حاصل آن هشت شکست و فقط دو تساوي بوده و این نتایج تامل‌برانگیز است.

خانم ابراهیمی اعتقاد دارد امروز وقت انتقاد از تیم ملی است: «وقتی تیم ما با رنکینگ شصت و چهارم جهان، می‌رود به اردن که در جایگاه هفتاد و چهارم است، می‌بازد باید انتقاد کرد!» او که با اکثر ملی‌پوشان فوتبال زنان ارتباط نزدیکی دارد، می‌گوید: «من تاکنون ندیدم فدراسیون فوتبال و اعضای تیم

ملي زنان بيايند و پاسخگوي نتايج خودشان باشند. الان دوستان در فدراسيون فوتبال و اعضاي كادرفني تيم ملي زنان بايد بگويند چرا تيم ملي به بلاروس در تهران دو بار پشت سر هم مي‌بازد، شش ماه مي‌رود و به اردن هم مي‌بازد. اصلا فارغ از هر نتيجه‌اي، كادرفني تيم ملي چرا طي اين ماه‌ها كه هيچ مسابقه‌اي براي تيم زنان تدارك ديده نمي‌شود، مطالبه‌اي از فدراسيون ندارد؟»

سرمربي تيم ملي مي‌ترسد انتقاد كند اخراجش كنند!

سوال اينجاست؟ چرا همه از فدراسيون گرفته تا اعضاي تيم ملي در يك انفعال مشخص به سر مي‌برند؟ براي پاسخ به اين سوال بايد گفت يك دليل ندارد، چندين علت پشت اين بي‌خيالي وجود دارد كه مهم‌ترين آن، حفظ صندلي و جاگاه است. طبق اطلاعات به دست آمده سرمربي تيم ملي مي‌ترسد از فدراسيون انتقاد كند و او را بركنار كنند. از سمت ديگر رسانه‌ها هم با ذهنيت «حمایت هميشگي از زنان» اساسا فشاري به تيم ملي زنان نمي‌آورند كه سياست اشتباهي است.

رسانه‌ها دست از حمايت مصنوعي بردارند!

واقعيت اين است كه ما، منظور فعالان حوزه رسانه اگر دايماً مدعي برابري در ورزش زنان و مردان هستيم، در اولين قدم بايد خودمان ثابت كنيم كه اين تنها يك ژست روشنفكري نيست و واقعا به آن باور داريم. اگر تيم ملي مردان به قرقيزستان مي‌باخت چه اتفاقي در رسانه‌ها رخ مي‌داد؟ به تيم ملي زنان هم بايد همين نگاه را داشت. بالاخره سال‌هاست تيمي به اسم تيم ملي فوتبال زنان ايران ساخته شده، مسيري طي شده و اگر برگشت به عقب داشته باشيم بايد سوال مطرح شود و مسوولانش مواخذه شوند. فاطمه ابراهيمي معتقد است: «نمي‌شود كه طي ۱۹ سال گذشته پنج بار اردن را برده باشيم، بعد برويم و طي دو مسابقه فقط يك تساوي از آنها بگيريم و هيچ سوالي هم از كادرفني نپرسيم كه چرا چنين نتيجه‌اي رقم خورده است؟ بله براي باخت به استراليا از شما انتقاد نمي‌كنيم ولي وقتي به بلاروس مي‌بازيد حق داريم بپرسيم چرا.»

قلعه‌نويي و مريم آزمون را به يك چشم بايد ديد!



به اعتقاد چهره‌هاي فعال در حوزه ورزش و مخصوصا فوتبال زنان، رسانه در حال حاضر مهم‌ترين اهرم است. نه فقط در ورزش، بلكه در همه بخش‌ها. با اين حال نگاهی به رسانه‌ها نشان مي‌دهد آنها به دلایل مختلف در حوزه فوتبال زنان آن‌طور كه انتظار مي‌رود، عمل نكرده‌اند. رسانه‌هايي كه شكست مقابل اردن

را ناکامي دانستند به اندازه انگستان يك دست هم نمي‌رسد. در واقع کمتر کسي به خودش زحمت داده تا برود حتي تقابل‌هاي زنان ايران و اردن را در تاريخ نگاه کند. کسي همان‌طور که از امير قلعه‌نوبي سوال مي‌کند چرا جوانگرابي نمي‌کني از خانم آزمون نپرسیده چرا به رها يزداني ۳۷ ساله در اين مسابقات بازي داديد و اگر نمي‌خواهي در برابر اردن در يك مسابقه دوستانه جوانگرابي کني، چه زماني اين کار را خواهي کرد؟

اوضاع بد فوتبال زنان ايران به همين موارد محدود نمي‌شود و چهره‌هاي شاخص اين حوزه نظير سرمربي سابق تيم ملي زنان و سرمربي فعلي در رسانه‌ها با هم وارد يك جدال علني شده‌اند. مساله‌اي که حقيقتا خجالت‌آور است. فاطمه ابراهيمي در اين رابطه مي‌گويد: «سرمربي سابق تيم ملي و سرمربي کنوني تيم ملي حدود سه سال است که عليه يکديگر مصاحبه مي‌کنند، کنايه مي‌زنند، يکديگر را متهم مي‌کنند و ...، کي تمام مي‌شود اين ماجرا؟ ديگر رسانه‌ها به اين بازي ورود نمي‌کنند و اخيرا اين عزيزان عليه همدیگر استوري منتشر مي‌کنند. واقعا زشت و زننده است اين رفتار که درمورد مسائل شخصي يکديگر در اينستاگرام صحبت مي‌کنند. سال‌هاست که اين کارها منسوخ شده و جز تاسف، کلمه ديگري نمي‌توان براي اين رفتار در نظر گرفت.»

تاج بي‌خيال نايبرييسي فوتبال زنان شده!

يکي از مشکلات عمده فوتبال زنان که در حوزه مديرity وجود دارد، بحث عدم حضور نايبرييس زنان فدراسيون فوتبال است. بعد از اينکه گزينه مهدي تاج براي نايبرييسي زنان از مجمع راي اعتماد نگرفت هشت ماه است که فدراسيون نايبرييس زنان ندارد و انگار اين مساله براي هيچ‌کس اهميتي ندارد. هيچ‌کدام از مسوولان فدراسيون در اين خصوص اظهارنظر نمي‌کنند و اين موضوع براي آنها فاقد اهميت است.

حق پخش و ممنوعيت استفاده از مربي مرد!

مساله بعدي بحث پخش زنده مسابقات است که تبديل به يك معضل جدي شده است. تا زماني که فوتبال زنان ديده نشود، پيشرفتي هم حاصل نخواهد شد. داوران، بازيکنان، مربيان و ... با ديده شدن خودشان را ملزم به پيشرفت خواهند ديد.

ممنوعيت استفاده از مربيان مرد مشکل بعدي است که اخيرا در قانون حجاب تشديد و مورد تاکيد بيشتر قرار گرفته است. استفاده رسمي و مشخص، از مربيان مرد که تجربه خوبي در فوتبال دارند و رفع اين ممنوعيت هم بسيار مهم است. خانم ابراهيمي در اين زمينه ادعاي جالبي را مطرح مي‌کند: «طبق اطلاعاتي که من دارم بايد بگويم خنده‌دار است که تقريبا تمام تيم‌ها از جمله تيم ملي مربي مرد در اردوي خود دارند، اما آن را مخفي مي‌کنند، چرا که استفاده از مربي آقا براي فوتبال زنان ممنوع است! اين هم يکي از همان قوانين عجيب و غريب ماست.»



ورود استقلال، پرسپولیس و سایرین به فوتبال زنان

با این حال هر چه از جانب فدراسیون و تیم‌های ملی فوتبال و فوتسال درگیر مشکلات هستیم، ورود باشگاه‌های بزرگ به فوتبال زنان خبر مهمی است که البته با فشار ای‌اف‌سی و به خاطر گرفتن مجوز حرفه‌ای انجام شده است. بعد از سال‌ها انتظار پرسپولیس، استقلال، فولاد، تراکتور، نساجی و... وارد فوتبال زنان شدند و این بسیار مهم است. پرسپولیس مسابقات زنان خود را از تلویزیون اینترنتی باشگاه پخش زنده می‌کند که اتفاق قابل توجهی است یا باشگاهی مثل گل‌گهر را داریم که در اولین سال حضورش در لیگ برتر زنان، بهترین امکانات را برای تیم خود فراهم کرده است. ابراهیمی که اخیراً از این استادیوم بازدید کرده، می‌گوید: «استادیوم اختصاصی این تیم از نود درصد استادیوم‌های فوتبال مردان وضعیت بهتری دارد. شرایط در این باشگاه برای تیم زنان و مردان کاملاً حرفه‌ای پیش می‌رود و لذت می‌بریم از اینکه در یک شهرستان این‌طور به دختران بها داده می‌شود.»

شواهد نشان می‌دهد که در بخش باشگاهی فوتبال زنان به سرعت پیشرفت خواهد کرد، اما در حوزه زنان با این وضعیت تردیدهایی وجود دارد هرچند انتظار می‌رود شرایط به مرور بهتر خواهد شد.

با این حال در گام اول تمام جامعه فوتبال زنان باید برای مطالبه‌گری درست تلاش کنند. نباید بترسند و باید بدانند که وظیفه آنها بیان حقیقت است تا فوتبال زنان پیشرفت کند. در حال حاضر اوضاع فوتبال زنان اصلاً خوب نیست، هرچه سریع‌تر مسابقات باید پخش زنده داشته باشند، باشگاه‌های بزرگ باید با یکدیگر رقابت کنند و رسانه‌ها هم باید اتفاقات مربوط به لیگ و تیم ملی را رصد کنند.